



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

احیاگری و اصلاح طلبی  
در  
نہضت حسینی

---

مہدی بابا پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی

نویسنده:

مهدی باباپور

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	واژگان احیا و اصلاح
۶	احیاگری در فرهنگ قرآنی
۸	احیاگری در نهضت حسینی
۹	اصلاح طلبی در فرهنگ قرآنی
۱۱	ویژگی های مصلح
۱۷	ابعاد احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی
۲۷	نتیجه
۲۹	درباره مرکز

### مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی باباپور

ناشر: مهدی باباپور

### واژگان احیا و اصلاح

واژگان «احیاء» و «اصلاح» در ادبیات دینی سابقه دیرینه ای دارد و استعمال آن به عصر نزول وحی برمی گردد. این دو واژه در برخی از آیاتی که خداوند بر پیامبر (ص) خاتم نازل کرده به کار رفته و سپس به متون و نصوص دیگر راه یافته است

### احیاءگری در فرهنگ قرآنی

این واژه در مواضع و موارد متعددی در قرآن آمده است که معنای کلی آن به معنای زنده کردن حیات بخشیدن است که این زنده شدن و یا زنده کردن در حوزه های مختلف مورد بحث است و ما به آیاتی که باموضوع مورد بحث ارتباط نزدیک تری دارد، اشاره می کنیم احیای افراد جامعه از مرگ مادی و معنوی توسط هم نوعان خویش (مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)؛ «هر کسی یک انسان را زنده کند، مثل این است که همه مردم را حیات بخشیده» احیای جامعه به سبب اجرای احکام الهی (و لَكُمْ فِي قِصَاصِ حَيَاةٍ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ)؛ «در اجرای حکم الهی قصاص برای شما حیات و زندگی است ای صاحبان عقل و خرد». احیا در پرتو ایمان و پذیرش دعوت خدا و رسولش قرآن کریم به مومنان نیز فرمان داده که دعوت احیاگرانه خداوند و پیامبر او را اجابت کنند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ . ای اهل ایمان چون خدا و رسول شما را به ایمان دعوت کنند اجابت کنید تا به حیات ابدی رسید. مفسران مطالبی را از این آیه برداشت کرده اند، برخی گفته اند: منظور از آن «دعوت حیات بخش، جهاد است زیرا به وسیله جهاد، دین

عزت می یابد. چنان که علی (ع) می فرماید: «فرض الله الجهاد عزاً للإسلام. و وقتی دین در جامعه عزت یابد، آن جامعه جامعه ای زنده خواهد بود و در صورت رسیدن به فیض شهادت (در جهاد)، خود نیز حیات جاودانه می یابد. برخی نیز ایمان آوردن و پذیرش دعوت پیامبر را سبب «حیات دل و جان و کفر را علت مرگ آن دانسته اند. گروهی هم اعتقاد به قرآن و فراگرفتن علم و دین را مایه حیات انسان به شمار می آورند، زیرا که مشابهت و مناسبتی میان نادانی و دانایی با «مرگ و زندگی وجود دارد. شماری از مفسران مقصود از دعوت حیات بخش را دعوت به سوی بهشت تعبیر کرده اند، زیرا که حیات جاودانی در آن جاست علامه طباطبایی گر چه همه این برداشت ها را وجوهی می داند که می توان آیه را با آن تطبیق داد، ولی خود بر این باور است که اصولاً دعوت حق در همه ابعاد آن احیاگراست آموزه ها و احکام الهی انسان را برای درک زندگی حقیقی و معنوی آماده می سازد و حیاتی می بخشد که علم نافع و عمل صالح سرچشمه آن است آن چنان که خداوند فرموده است (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ، هر زن و مردی که کاری نیک و شایسته کند، در حالی که مؤمن باشد، هر آینه او را به زندگی پاک و خوش زنده بداریم و مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می کردند پاداش دهیم. آیه مورد بحث که می فرماید: (اِذَا دَعَاكُم لِمَا يَحْيِيكُمْ مَطْلُوقٌ اسْتَوْثِقُوا مِنْهُ وَ اِذَا دَعَاكُم لِمَا يَمُوتُكُمْ فَارْتَدُوا مِنْهُ) شامل مجموع دعوت های رسول خدا

(ص) که مایه زنده شدن دل‌ها است و یا دسته‌ای از دعوت‌هایش که طبیعت احیا را دارد بشود، هیچ ابایی نداشته و هم‌چنین شامل نتایج دعوت او که عبارت است از انواع زندگی‌های سعیده حقیقیه مانند زندگی اخروی در جوارخدا نیز می‌شود. چون همه اینها را شامل می‌شود، پس نباید آیه شریفه را مقید کرده و... بلکه آیه شریفه همان طوری که گفتیم عام است و همه را شامل می‌شود و هیچ دلیلی نیست که آن را از معنای عام و وسیعش برگردانیده و بگوییم مرادش این وجه است یا آن وجه

## احیاگری در نهضت حسینی

کلمه احیا و احیاگری در سخنان امام حسین (ع) به معنای بیدار کردن بازگرداندن ارزش‌ها، زنده کردن انسان‌ها و جامعه اسلامی از خواب غفلت و بی‌خبری به کار رفته است (امام ع) در نامه‌ای به بزرگان بصره از آنها می‌خواهد که به کتاب الهی و سنت نبوی بیندیشند و از واقعیت‌های جامعه غافل نباشند؛ سنت‌ها و روش‌های پسندیده مرده و از میان رفته و بدعت‌ها و ارزش‌های جاهلی زنده و جای آنها را گرفته است «و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه (ص) فان السنه قد اُمیت و ان البدعه قد اُحیت و ان تسمعوا قولی و تطیعوا امری اهدکم سبیل الرشاد»؛ من شما را به پیروی از کتاب خدا و راه و روش پیامبر فرامی‌خوانم زیرا هم‌اکنون سنت پیامبر از میان رفته و بدعت‌ها و احکام ناروا زنده شده است پس اگر گوش به این پیام من فرا دهید و آن را بپذیرید، شما را به راه سعادت رهبری خواهم کرد. هم‌چنین آن حضرت سبب پذیرش دعوت کوفیان



را، هویت احیاگرانه آن می داند و می فرماید: «انّ أهل الكوفة كتبوا إلىّ يسألونني ان اقدم عليهم لما رجوا من احياء معالم الحق و اماته البدع. از این رو، در این راه قاطع و بی تردید گام برداشت زیرا که قیام برای احیای حق و میراندن باطل را وظیفه دینی خود می دانست» «ما اهون الموت على سبيل العزّ و احياء الحق ليس الموت في سبيل العزّ الاّ حياه خالده ليست الحياه مع الذلّ الاّ الموت الذي لا حياه معه. اما به راستی این احیای حق و زنده کردن سنت ها و روش های درست چه بود که حسین بن علی (ع) بر آن اصرار داشت و جان خود و یارانش را در پای آن گذاشت تردیدی نیست که احیای سنت و ارزش های مورد پسند شارع و از میان بردن شیوه ها و روش های غلط بود. از این رو، حسین بن علی (ع) «احیای سنت ها» و «اماته بدعت ها» را شعار خود قرار می دهد و در سخنان نورانی خود آنها را به خوبی تبیین می کند.

## اصلاح طلبی در فرهنگ قرآنی

اصلاح یعنی سامان بخشیدن در قرآن کریم واژه های اصلاح مصلح مصلحون و مشتقات آن بارها به کار رفته است و انسان هایی که در اندیشه اصلاح جامعه و درصدد سامان دادن کار مردم هستند، ستایش شده اند. واژه های فساد، افساد و مفسدان در مقابل اصلاح بارها مطرح شده و از زورمداران زراندوزان و طاغوتیان به عنوان مفسد و فساد گران یاد شده و تعبیرهای بسیار کوبنده و نکوهش کننده ای نسبت به آنها به کار گرفته شده است قرآن کریم رسالت بزرگ همه پیامبران و اولیای الهی را اصلاح در زندگی مادی و معنوی

انسان‌ها معرفی می‌کند و رسولان حق را مصلح می‌نامد. شعیب پیامبر (ص) هدف رسالت و مأموریت اصلی خود را اصلاح امور مردم معرفی می‌کند و می‌گوید: (إِن هَارِيْدُ إِلَّا الْأَصْلَاحَ مَا اسْتَيْطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيْقِي إِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ اِلَيْهِ اُنِيْبُ ؛ من هیچ انگیزه‌ای جز اصلاح امر شما ندارم و از خدا توفیق می‌طلبم و بر او توکل کرده و به درگاه او پناه می‌برم. او از ابتدای فعالیت خویش به سامان بخشی و نیکوسازی معیشت دنیایی و رفع فساد و تباهی در روابط اقتصادی آنان می‌پردازد و با دعوت و ترغیب فراوان آنان را به تبعیت از مقررات و دستورالعمل‌های دینی به منظور اصلاح همه شئون مادی و معنوی حیات دنیایی دعوت می‌کند. از دیدگاه قرآن رسالت اصلی دین اصلاح فکر و عقل بشر است و پایداری و ابقای جوامع در گرو اصلاح طلبی و اصلاح‌گرایی است و سرانجام نیکو و پاداش نیک نیز از آن اصلاح‌گران است از دیدگاه قرآن اصلاح بشر تنها در پرتو اجرای قوانین کتاب آسمانی و دین خدا، امکان‌پذیر است تعالیم قرآنی به ما می‌آموزد که علاوه بر پیامبران و پیشوایان دین و اولیای الهی همه کسانی که به کتاب آسمانی و قوانین و احکام الهی تمسک جویند، راه تقوا و عفاف را بپویند، در برابر پروردگار سر تسلیم فرود آورند و قادر به اصلاح امور مردم باشند؛ جزء مصلحان هستند. در قرآن به همان اندازه که از حرکت‌های اصلاحی دفاع می‌شود، به حرکت‌های ضد اصلاحی حمله می‌گردد، هر چند رهبران آن به ظاهر مدعی اصلاح طلبی باشند؛ به عنوان مثال ادعای اصلاح طلبی

منافقان به شدت تخطئه شده است (و اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ قَالُوا اِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ اَلَا اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ و لَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ؛ هر گاه به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: ما فقط اصلاح گرانیم آگاه باشید که اینها مفسدانند و خود هم به دقت درک نمی کنند.»اصلاح طلبی یک روحیه اسلامی است هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است خواه ناخواه اصلاح طلب و لااقل طرفدار اصلاح طلبی است زیرا اصلاح طلبی هم به عنوان یک شأن پیامبری در قرآن مطرح شده و هم مصداق امر به معروف و نهی از منکر است «

## ویژگی های مصلح

انجام حرکت اصلاحی همه جانبه در گرو دارا بودن ویژگی ها و صفاتی بایسته است که متصدیان صالح باید واجد آن باشند. مردم قبل از آن که به گفته افراد بنگرند، نوعی ارزیابی کارشناسانه و دقیق نسبت به اعمال رفتار و خصوصیات مدعیان اصلاح دارند و در چهار چوب آن اوصاف و زمینه ها، عملکرد و گفته های افراد را ارزیابی می کنند. در این قسمت گذرا به چند صفت مصلحان اشاره می کنیم ۱ اصلاح خویش (خودسازی نخستین گام در هر حرکت اصلاحی از نگاه دین اصلاح خویشتن یا جهاد بانفس است که به «جهاد اکبر» معروف است امام علی ع) می فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَّصِلُ بِاصْلَاحِ النَّاسِ وَ نَفْسِهِ اَشَدَّ شَيْءٍ فُسَادًا فَلَا يَصْحَلُهَا وَيَتَعَاطَى اِصْلَاحَ غَيْرِهِ «تعجب می کنم از کسی که متصدی اصلاح مردم می شود، در حالی که خودش فاسد است و خود را اصلاح ننموده و به دنبال اصلاح دیگران می باشد». شبیه به این حدیث از امام معصوم آمده است «چطور کسی ادعای اصلاح

دیگران را دارد، در حالی که هنوز خودش را اصلاح نکرده است» فلذا مصلحان راستین پیش از دعوت به اصلاح دیگران باید به اصلاح خویش پردازند. بنابراین هر حرکت اصلاحی رهبری صالح و مصلح می خواهد. ۲. شناخت داشتن از اقدام اصلاحی خود مصلح باید شناخت کافی از اصلاح داشته باشد، تا عملش به جای اصلاح به افساد نکشد. امام علی (ع) می فرماید: «عشره یفتنون انفسهم و غیرهم و یرید للصلاح و لیس بعالم». «ده نفرند که خود و دیگران را به مشکل گرفتار می کنند: یکی از آنان اصلاح طلبی است که عالم و آگاه به اصلاح نیست» یک مصلح باید مثل طیب اول درد را شناسایی و سپس درمان را ارائه دهد. و باید بداند که هر دردی درمان خاص خود را دارد و هر فسادی اصلاح خاص خود را می طلبد، به قول مرحوم شرف الدین «لا یاتی الصلاح الا من یاتی الفساد؛ صلاح را از همان راهی وارد جامعه کنید که فساد را وارد کرده اند.» بنابراین کسی که در جای گاه اصلاحات سیاسی اجتماعی و فرهنگی و دینی قرار می گیرد، باید به احکام و قوانین الهی آشنا و عالم باشد و صلاح و فساد را کاملاً بشناسد. ۳. حق گرایی و حق طلبی ویژگی دیگر مصلح آن است که تمام اقدام هایش براساس حق و حق مداری باشد. و اسیر نفس مال و نیازدگی نشود. به تعبیر امام علی (ع): «لا یمنعکم رعایه الحق لاحد عن اقامه الحق علیه مبادا رعایت و بزرگداشت کسی مانع شما از اجرای حد گردد». علی (ع) که انگیزه خود را اصلاح امور جامعه مطرح می کند، این

اصلاح طلبی را در محور احیاء حق می داند: «و الله لَهی أَحَبُّ الیَّ مِنْ امرتکم إِلَّا أَنْ اَاقیمَ حَقّاً او اادفع باطلاً؛ به خدا سوگند! هرآینه این کفش کهنه در نزد من از حکومت کردن بر شما محبوب تر است مگر این که اقامه حقی بکنم یا باطلی را دفع کنم» حضرت حق محوری را در حرکت اصلاحی خود اصلی مسلم می داند. و امام حسین (ع) که انگیزه قیام خود را اصلاح طلبی براساس حق طلبی و حق گرایی می داند، می فرماید: «الَا ترون انَّ الحقَّ لَا یُعْمَلُ به و انَّ الباطلَ لَا یتناهی عنه لِیُرْغَبَ المؤمنُ فی لقاء الله محققاً؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل پیشگیری نمی شود؟ پس سزاوار است که مومن برای ملاقات خدا مشتاق باشد.» بنابراین اصلاحات امام حسین (ع) در مسیر اجرا و اقامه حق در جامعه می باشد. و اگر چنین شد، آن اصلاح یک اصلاح دینی و اسلامی می شود. ۴. صداقت و اخلاص دیگر ویژگی مصلح آن است که در کار خویش صداقت داشته باشد و با تمام اخلاص درصدد کمک کردن به مردم و نجات جامعه از بدبختی و فساد باشد. رمز جاودانگی قیام امام حسین (ع) که مرزهای زمانی و مکانی را در نور دید، صداقت و اخلاص او بود. که در آخرین لحظه های زندگی فرمود: «الهی رضاً بقضائک تسلیمأ لا مرک لا معبود سواک خدایا راضی هستم به قضای تو و تسلیم هستم در مقابل اوامر تو و هیچ معبودی جز تو نیست. این ویژگی ها، برای کسی که ادعای اصلاح جامعه را دارد ضرورت دارد. هم چنین پرهیز از به کارگیری ابزار نامشروع برای رسیدن به اهداف مشروع پرهیز از سازش کاری

و ملاحظه قاطعیت و صراحت و شجاعت برنامه عملی داشتن واقع بینی و وسعت فکر و اندیشه از ویژگی هایی است که برای مصلح لازم و ضروری است اصول و مبانی احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی در خصوص اصول و مبانی احیا و اصلاح کلامی عمیق و زیبا از امام حسین (ع) وجود دارد، که می تواند راه گشای کار ما باشد. امام حسین (ع) حرکت اصلاحی خود را الگویی از سیره و روش پیامبر (ص) و علی (ع) می داند. امام در وصیت نامه خود که هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه برای محمد مشهور به ابن حنیفه نگاشت هویت حرکت احیاگرانه و اصلاح طلبانه خود را بیان می کند. آن حضرت پس از بیان عقیده خویش درباره توحید، نبوت و معاد می نویسد: «وَإِنِّي لَم أَخْرَجَ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص)، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ» بن ابیطالب (ع)؛ من از روی هوس سرکشی تبه کاری و ستمگری قیام نکردم تنها به انگیزه اصلاح در امت جدم برخاستم می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بدی ها باز دارم و روش جد خود و پدرم علی بن ابی طالب را دنبال کنم «امام حسین (ع) در سخنرانی خود در سرزمین «منی خود را مصلح معرفی و همان سخنان پدر بزرگوارش را تکرار می کند: «اللَّهُمَّ انك - تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ - مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسِ - مِن - فُضُولِ الحُطَامِ وَ لَكِنْ ه لَتَرِي المعالم مِن دِينِكَ وَ

نُظهِرُ الاصلاح في بلادك و يَأْمُنُ مَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ و يُعْمَلُ بِفَرَاغِكَ و سَيُنْتَكُ و احكامك ..؛ پروردگارا! تو می دانی این حرکت ما نه به خاطر رقابت بر سر حکومت و قدرت و نه به منظور به دست آوردن مال دنیا است بلکه به خاطر آن است که نشانه های دین تو را به مردم بنمایانم و اصلاحات را در کشور اسلامی اجرا کنم تا بندگان ستم دیده ات از چنگال ظالمان در امان باشند و واجبات و احکام و سنت های تعطیل شده تو دوباره اجرا گردد.» امام حسین (ع) که این سخنرانی را در ایام حج در جمع صحابه بزرگ پیامبر و تابعین در زمان معاویه ایراد فرمودند، با صراحت از اصلاحات سخن می گوید و با همان صراحت و شفافیت اصول و مبانی این حرکت اصلاحی را بیان می دارد. این اصول و مبانی در چهار اصل بنیادین بیان شده است همین جمله های نورانی را علی (ع) در نهج البلاغه بیان فرمود و اهداف و انگیزه فعالیت های خود را بر این مبانی استوار می ساخت الف بازگشت به اصول واقعی اسلام لئلا نرى المعالم من دينك : نشانه های محو شده راه خدا را که همان اصول واقعی اسلام است بازگردانیم . یعنی بازگشت به اسلام نخستین و اسلام راستین بازگرداندن اصول محو شده احیای آنچه از این نشانه ها محو گشته و یا کم رنگ شده از بین بردن بدعت ها و جایگزین ساختن سنت های اصیل اسلامی یعنی اصلاح در فکرها و اندیشه ها و تحولی در روح ها و ضمیرها و قضاوت ها در زمینه خود اسلام ب تحول بنیادین در اوضاع زندگی مردم و نظهر الاصلاح في بلادك : حاکم نمودن

اصلاح در کشور. اصلاح اساسی و آشکار و چشم گیری که نظر هر بیننده را جلب نماید و علائم بهبودی وضع زندگی مردم در آن کاملاً هویدا باشد، را در شهرها و مجامع به عمل آوریم یعنی تحولی بنیادین در اوضاع زندگی خلق خدا. ج تحول بنیادین و اساسی در روابط اجتماعی یا امن المظلومون من عبادک : ایجاد محیطی امن برای عبادگان خدا. بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان امان یابند، و دست تجاوز ستم کاران از سرستم دیدگان کوتاه شود؛ یعنی اصلاح در روابط اجتماعی انسان ها. د تحولی ثمربخش و اسلامی در نظام های مدنی و اجتماعی و یعمل بفرائضک و سننک و احکامک ؛ عمل به قوانین احکام و سنت های تعطیل و فراموش شده مقررات تعطیل شده خدا و قانون های نقض شده اسلام بار دیگر به پا داشته شود و حاکم بر زندگی اجتماعی مردم گردد. شهید مطهری در این باره می فرماید: «هر مصلحی که موفق شود این چهار اصل را عمل سازد، افکار و اندیشه ها را متوجه اسلام راستین سازد و بدعت ها و خرافه ها را از مغزها بیرون براند، به زندگی عمومی از نظر تغذیه و مسکن و بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد، روابط انسانی انسان ها را براساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد، و ساخت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلامی قرار دهد، به حداکثر موفقیت نائل آمده است. امام حسین (ع) تاکید می کند که اصول مزبور، مخدوش و مغفول واقع شده اند. پس کسی را طلب می کند که برای سامان بخشیدن به ناهنجاری ها و احیای سنت ها و ارزش های مقدس جامعه عصر نبوی قیام کند، و البته این کار



بزرگ مصلحی خود ساخته و به دور از شائبه های قدرت پرستی دنیا دوستی و رفاه طلبی می خواهد که امام در وصیت نامه مذکورش بر این مطلب تأکید می کند.

## ابعاد احیاگری و اصلاح طلبی در نهضت حسینی

امام حسین (ع) حرکت احیاگرانه و اصلاح طلبانه خود را در ابعاد مختلف و حوزه های گوناگون آغاز کرد، که در این قسمت به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود: الف اصلاح سیاسی و مبارزه با سلطه باند اموی ابوسفیان در حدود بیست سال با پیامبر (ص) جنگید و در حدود پنج شش سال آخر، قائد اعظم تحریم علیه اسلام بود. ولی متأسفانه به دلیل سیاست های قومی خلفا، پس از ده سال از وفات پیامبر (ص)، پسر او معاویه که همیشه دوش به دوش و پا به پای پدرش با اسلام می جنگید، والی شام و سوریه شد و سی سال بعد از وفات پیغمبر، خلیفه و امیرمؤمنان گردید. امویان ثروت و سیاست را به دست آوردند، اما دیانت را هرگز و چون به حکومت رسیدند، تظاهر به دین و مومن نمایی را به جای آن برگزیدند و روحانیون بی تقوا، مانند ابوهریره را به کار گرفتند. دنیاداران به دلیل وجود رقیبان بر دنیای خود هراسناک بودند و گاه ناخشنود، و دین داران به این دلیل که دین در مخاطره و تهدید قرار گرفته بود، برمی آشفتنند. این است که هم زبیر و عبدالله بن زبیر و... و هم مقداد و ابوذر و عمار و حجرو... همگی سر به شورش برداشتند. در ماجرای قتل عثمان دسته قدرت طلبان و دنیاداران بیشترین دخیل بودند. عمروعاص خود می گفت که بر هیچ چوپانی نگذشتم مگر این که او را به قتل عثمان تحریک کردم معاویه با این که پرورده

عثمان بود، فکر کرد که از مرده عثمان بیشتر می توان سود برد، تا از زنده او؛ هم از نظر برانگیختن احساس ها برای بیرون کردن مخالفان و رقیبان از صحنه و هم از جهت قبضه قدرت معاویه برخی را به تهدید و برخی را به تطمیع به سوی خویش متمایل کرد و علی هم چنان پایدار به عنوان دشمن اصلی او باقی ماند. این بود که از دشنام و جعل احادیث علیه او و تهمت و منع نقل فضایل او و از میان بردن دوستان و یارانش و هر کار دیگری کوتاهی نکرد. علاوه بر اینها در این دوره کسانی چون حکم بن عاص که پیامبر خدا (ص) آنان را از جامعه مسلمانان طرد کرده بود به فرماندهی ولایات گماشت و مروان را نیز چندان قدرت بخشید که به جای خلیفه فرمان می داد و قلمرو حکومت را چندان گسترش داد که «فلسطین و «حمص را هم بدان افزود و رهبری و قیادت سپاهی چهارگانه را به وی سپرد و برای او که پول و نیروی بسیار گرد آورده بود، زمینه ای ساخت که در زمان علی (ع) در برابر آن حضرت ایستاد و خواهان ادامه سلطنت خود شد. هر چند که معاویه از زمان خلیفه های پیشین به فرمانداری برگزیده شده بود، اما این اقتدار و افسار گسیختگی را نداشت عزم امام حسین (ع) برای اصلاح سیاسی و ساختار حکومتی و تحقق حکومت دینی به ویژه پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، آشکارتر و راسخ تر شد. زیرا که سلطه باند اموی گسترده تر و یزید بسی بی پرواتر از پدر خویش به نابودی هم سنت پیامبر و اصول

و ارزش های دینی پرداخته بود. از این رو در برابر بیعت خواهی یزید ایستاد و اظهار داشت «انا لله و انا اليه راجعون و علی الاسلام السلام اذ قد بُليت الأُمه براع مثل یزید»؛ همه از خداییم و به سوی او می رویم بنابراین باید با اسلام خداحافظی کرد که امت اسلامی به فرمانروایی چون یزید گرفتار آمده است» «و قد سمعت رسول الله (ص) يقول الخلافه محرمة علی ال ابی سفیان .. من از رسول خدا (ص) شنیدم فرمود: خلافت بر دودمان ابوسفیان و طلقاء و فرزندان طلقاء حرام است. اگر معاویه را بر منبر من دیدید شکمش را بشکافید. «به خدا سوگند! اهل مدینه او را بر منبر جدم دیدند و به فرمایش عمل نکردند؛ از این رو خدا آنان را به فرزندش یزید گرفتار کرد. خدا عذابش را در آتش بیفزاید». این جاست که امام نوک پیکان اصلاح خود را متوجه ساختار حکومت و رهبری جامعه می کند و تمام تلاش خویش را در جهت افشای حکومت ظالم و مستبد اموی به کار می گیرد. و فرمود: «فیا عجب! و مالی لا اعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل علی المومنین بهم غیر رحیم شکفتا! و چرا در شکفت نباشم که زمین در تصرف مردی دغل و ستم کار و مالیات بگیری نابکار است حاکمی است بر مومنان که نسبت به آنها مهربانی ندارد. و نیز فرمود: «نحن اهل البيت اولی بولایه هذا الامر علیکم من هولاء المدعین ما لیس لهم . ما خاندان پیامبر (ص) از این ها که ادعای دروغ دارند و با شما به ستم و دشمنی رفتار می کنند به ولایت و رهبری برتریم» بنابراین اصلاح ساختار

حکومت و رهبری تشکیل حکومت اسلامی حقیقی یکی از مهم ترین ابعاد نهضت حسینی است ب اصلاح اجتماعی و بدعت ستیزی خرافه زدایی و احیای سنت نبوی یکی از ابعاد اصلاح گری امام حسین (ع) مقابله با بدعت ها، پیدایش اختلافات طبقاتی و دور شدن و انحراف از سنت نبوی بوده است هنگامی که صحابه پیامبر (ص) و پیروان علی (ع) به این ناهنجاری های اجتماعی لب به اعتراض می گشودند، به امر خلیفه شکنجه می شدند و یا نفی بلد و تبعید می گردیدند؛ چنان که ابن مسعود، صحابه بزرگ پیامبر (ص) در پای منبر عثمان بر او اعتراض کرده و پاسخ عثمان این بود که او را از مسجد اخراج کنید، و مأموران او را کشان کشان روی زمین کشیدند و پس از بیرون بردن از مسجد، آن قدر او را به زمین کوبیدند که استخوان هایش درهم شکست خلیفه به این هم بسنده نکرد، بلکه فرمان داد که حقوق وی را نیز قطع کنند و حتی عیادت از او را در بستر بیماری ممنوع کرد. عمار یاسر صحابه دیگر پیامبر نیز بارها نزد عثمان شتافت و به روش او بانگ اعتراض داشت پند عمار این بود که بیت المال را از دسترس اغنیا دور نگه دار و به شیوه ای درست و عادلانه پرداز؛ و دست از تعصب قومی بردار و خانواده و منسوبان خویش را بر مردم مسلط مساز! عثمان این بار خود با عصایش بر عمار حمله کرد و ضرباتی چند بر صورتش نواخت غلامانش نیز به پیروی از وی صحابه پیامبر را کتک زدند. ابوذر نیز در برابر این نابسامانی ها و کردارهای ناشایست تاب نیاورد و روزی فریاد برآورد: «ای عثمان

کارهای تازه ای در پیش گرفته ای که ما با آن آشنایی نداریم به خدا سوگند! کردار، تو نه در قرآن پیدا می شود نه در روایات پیامبر. به خدا سوگند! می بینم که نور حق خاموش می گردد، باطل زنده می شود و سودجویی رواج دارد. ای ثروتمندان با فقرا همراهی کنید، که خداوند فرمود: به آنان که طلا و نقره ها را انبار می کنند و در راه خدا انفاق نمی نمایند، بشارت بده که با آهن گداخته پیشانی پهلوی و پشت شما را داغ می کنند. پرده های حریر آویزان ساخته اید، متکاهای دینا تهیه کرده اید و به خوابیدن روی بسترهای نرم خو گرفته اید، اما پیامبر خدا روی حصیر می خوابید. غذاهای رنگارنگ در اختیار شماست ولی محمد (ص) از نان جوین سیر نمی گردید. ابوذر به شام تعیید شد، اما در شام کردارهایی از معاویه دید که کارهای عثمان در برابرش ناچیز می نمود. هنگامی که معاویه «قصر الخضراء» کاخ سبز را بر پا می داشت ابوذر برایش پیغام فرستاد: ای معاویه اگر این کاخ سبز را از بیت المال ساخته ای به ملت خیانت ورزیده ای و اگر از اموال خود ساخته ای اسراف کرده ای این حق گویی واکنش معاویه را برانگیخت و او را ناگزیر ساخت که برای عثمان گزارش هایی دروغین بفرستد. از این رو، طبق فرمان خلیفه او را بر شتری چموش و بدخووی روپوش نشانند و مأموران سنگ دلی بر وی گماشتند که شتر را با شتاب می راندند؛ آن گونه که چون به مدینه رسیدند گوشت های ران هایش فرسوده و پیکرش کوبیده شد. به هر حال عثمان از تحقیر، تهدید و دشنام به این صحابه بزرگ رسول خدا کوتاهی نکرد، ولی هنگامی که

از بستن دهان حق گویش ناامید شد، خواست تا با پرداخت دویست دینار به ابوذر وی را رام و خاموش سازد. اما ابوذر هشیارتر و پاک تر از آن بود که فریفته مال و منال دنیا شود و از این رو به فرستاده عثمان گفت «آیا عثمان به همین اندازه که به من داده به مسلمانان دیگر هم داده است» نماینده عثمان پاسخ داد: «نه. ابوذر گفت «پس من هم یکی از مسلمانانم آنچه دیگران طاعت آن را دارند من هم طاعت آن را دارم پول ها را باز گردانید.» عثمان چاره ای جز تبعید ابوذر نیافت و گواهی پیامبر بر راست گویی و درست کاری ابوذر را، که علی (ع) بر آن تاکید داشت ناشنیده انگاشت شگفت این که از ترس خلیفه جز علی (ع) و حسین (ع) و عمار و عقیل هیچ مسلمانی به بدرقه این صحابی صادق و صالح نشتافت آری ابوذر به جرم اعتراض به کج رفتاری های خلیفه به بیابان بی آب و علف ریزه تبعید شد و در آن جا تنها جان باخت هنگامی که عثمان دستور داد عمار یاسر را به خاطر اعتراض هایش علیه اسراف کاری های مزبور، کتک بزنند، عایشه بر وی فریاد زد: «که این موی و جامه و کفش پیامبر است که هنوز نفرسوده است ولی شما سنتش را از میان برده اید.» در این اوضاع و احوال معاویه توانست با ترفند و سیاست بازی هنگام مصاف با علی (ع) در طلیعه شکست با افزایش قرآن به نوک نیزه ها مردم را بفریبد و ماجرای حکمیت را تحمیل کند و قرآن ناطق را از مردم بگیرد و با به شهادت رساندن عمار یاسر و مومنان دیگر، باز هم

در حفظ قدرت خویش پیروز و کام یاب باشد. ماجرای جمل و نهروان در هر صورت برخاسته از این ستیز است هم چنین با تداوم بخشیدن به سیاست تهدید و تطمیع مردم در دوران امام حسن (ع) توانست از وحدت و پیروزی لشکر آن حضرت پیش گیری کند و با تحمیل قرارداد صلح نتیجه را به سود خود تغییر دهد. نفوذ در میان نیروهای وفادار به امام و توطئه برای از میان بردن آن حضرت که متأسفانه کارساز هم واقع گردید، غرور و گردن فرازی و نخوتی را در پی داشت که جاودانگی حکومت اموی را در ذهنش ترسیم می ساخت لذا با موروثی کردن سلطنت درخاندان خویش و بیعت گرفتن از مردم برای یزید، آشکارا بدعتی دیگر نهاد و دگر بار سر از سنت برتافت اینک که برخی صحابه پیامبر از میان امت رخت بر بسته و به دیار باقی شتافته اند و نه تنها علی و حسن به شهادت رسیده اند، بلکه عمار یاسر و ابوذر و حجر بن عدی و صعصعه بن سوهان نیز به ایشان پیوسته اند، و دیری نمی باید که مقداد و رشید هجری نیز دستگیر و مصلوب می شوند. حسین (ع) به عنوان فرزند پیامبر و وارث او، در برابر تجاع فساد بدعت ستمگری و منکری که جامعه اسلامی را در بر گرفته بود، چه واکنشی باید نشان دهد؟ اکنون که به جای خانه ساده پیامبر و مسجد مدینه کاخ سبز معاویه و قصرهای کوفه و شام خودنمایی می کند، و به جای محمد (ع) و علی (ع)، شرک پیشه گان منافق حکم روایی می کنند و بدتر از آن جوان جاهل و شراب خوار و عیاشی که جز به شراب خواری

و میمون بازی و قمار بازی و سگ بازی و لودگی و شهوت رانی به چیزی نمی اندیشد، به عنوان خلیفه مسلمانان بر کرسی سلطنت می نشیند و به زور می خواهد از بزرگان قوم حتی فرزندان پیامبر بیعت بگیرد. این جاست که حسین (ع) به عنوان مصلح اجتماعی و احیاگر سنت فراموش شده پیامبر (ص) وارد مبارزه می شود و صریحاً بیان می کند: «انما خرجت لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي هَمَانَا مِنْ بَرَايِ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ جَدِمِ وَأَزْبِينِ بَرْدِنِ انْحِرَافِهَا وَبَدْعَتِهَا وَنَاهِنجَارِيهَايِ اجْتِمَاعِي دَسْتِ بِي قِيَامِ زِدْمِ. وَ هَمِ چنين در نامه ای به سران قبایل بصره می نویسد: «وَقَدْ بَعَثْتُ رَسُولِي إِلَيْكُمْ بِهَذَا الْكِتَابِ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص)، فَانِ السَّنَةُ قَدْ أُمِّيَّتْ وَانِ الْبَدْعَةُ قَدْ أُحْيِيَّتْ وَانِ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطْعَمُوا أَمْرِي أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ (ع)؛ اینک پیک خود را با این نامه به سوی شما می فرستم شما را به کتاب و سنت پیامبر دعوت می کنم زیرا در شرایطی قرار گرفته ایم که سنت پیامبر به کلی از بین رفته و بدعت ها زنده شده است اگر سخن مرا بشنوید و امر مرا اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت خواهم کرد.» ۳ اصلاح فرهنگی و مقابله با ناهنجاری هایکی دیگر از ابعاد حرکت اصلاحی امام حسین (ع) افشاگری به ناهنجاری های فرهنگی و اخلاقی می باشد که ناشی از عملکرد بد حکومت است امام (ع) در سخنرانی خود در «منی به این موضوع اشاره می کند و می فرماید: «ای دانشمندان و روشن فکران شما گروهی هستید که بر دانش و نیکی و خیرخواهی شهرت یافته اید... شما به چشم خود می بینید که پیمان های الهی را می شکنند و با



قوانین خدا به مخالفت برمی خیزند. افراد کور و لال و زمین گیر در کشور اسلامی بدون سرپرست و مراقب مانده اند و به آنها رحم نمی شود. با سازش کاری و همکاری و مسامحه با ستمگران خود را آسوده می دارید. زمام امور در دست کسانی است که عالم به دین خدا نیستند. ستمگران را بر مقدرات خود مسلط ساختید». آن حضرت در ادامه به ناهنجاری های فرهنگی و اخلاقی مانند: رواج ستمگری گسترش فساد و فحشاء در جامعه تضييع حقوق مستضعفان بی تفاوتی مردم در برابر حرمت شکنی مقدسات بی توجهی مردم به شکستن حریم حرمت قرآن و سنت پیامبر، نفوذ یافتن شبهه پراکنان در مراکز فرهنگی دنیاگرایی و دنیازدگی دانشمندان سپرده شدن امور فرهنگی به دست تنگ مایگان علمی انحراف از آموزه ها و ارزش های دینی اشاره می کند. آن حضرت در راه عراق در منطقه «ذی حسم ایستاده حمد و ثنای خداوند به جای آورد و فرمود: «إِنَّهُ قَدْ نَزَلَ بِنَا مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ تَرَوْنَ وَ انَّ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفَهَا، وَ اسْتَمَّتْ جِدًّا وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا صِبَابَةٌ كَصِبَابَةِ الْإِنَاءِ، وَ خَسِيسَ عَيْشٍ كَالْمَرْعَى الْوَيْلِ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ انَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا، فَانِي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً» (شهاده) و لا الحياه مع الظالمين إلا برما. ان الناس عبيد الدنيا و الدين لعق على السننهم يحوطونه مادرت على معاشيهم فاذا محصوا بالبلاء قل الديانون كار ما به اين جا كشيده است كه مي بينيد. چهره دنيا دگرگون و ناسازگار شده نيكي اش پشت كرده با شتاب در گذر است و از آن جز اندكي

همچون ته مانده ظروف بیش نمانده است که آن نیز زندگی پستی است همچون چراگاهی سخت و خطرناک آیا نمی بینید که به حق عمل نمی کنند و از باطل باز نمی دارند؟! در چنین شرایطی مؤمنان را بایسته است که خواهان دیدار خدا [و شیفته شهادت باشند که من چنین مرگی را جزء سعادت [شهادت و زندگی در کنار ظالمان راجز ننگ و خواری نمی بینم حقاً که مردم بندگان دنیایند و دین ناچیزی بی جان برزبانشان است [لقلقه زبان که بر گردش تا آنجا حلقه می زنند که دنیایشان در فراخ باشد و هر گاه با بلا آزموده شوند، دینداران اندک گردند. «و هم چنین آن حضرت در منطقه «بیضه برای هر دو سپاه (سپاه خودش و سپاه حرّ) سخن گفت و آنها را به ناهنجاری های فرهنگی جامعه و انحرافی که حاصل شده آگاه کرد و فرمود: «ایها الناس ان رسول الله (ص) قال من رای سلطاناً جائراً مُستحلاً لِحُرْمِ الله ناکثاً لِعَهْدِ الله مخالفاً لِسُنَّةِ رسولِ الله یعمل فی عبادِ الله بِالاثم و العدوان فَلَمْ یُغَیِّرْ علیه بِفعلٍ و لا قولٍ کان حقاً علی الله ان یدخله آلا و ان هؤلاء قد لزموا طاعه الشیطان و ترکوا طاعه الرحمن و اظهروا الفساد، و عطلوا الحدود، و استأثروا بالفی و احلوا حرام الله و حرموا حلاله، و انا احق من غیر»؛ هان ای مردم همانا رسول خدا (ص) فرمود: هر که فرمان روایی ستمگر را ببیند که حرام های خدا را حلال می شمرد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا (ص) مخالفت کرده در میان بندگان خدا با گناه و تجاوز رفتار

می کند و او با کردار و گفتار خود بر او قیام نکند، بر خداست که او را در جای گاه [پست و عذاب آور] آن ستمگر در آورد. بدانید اینان به پیروی از شیطان چسبیده اطاعت خدای رحمان را ترک گفته تباهی ها را آشکار ساخته حدود خداوند را تعطیل کرده بیت المال را در انحصار خود در آورده حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته اند و من از هر کس دیگر سزاوارترم که بر اینان شوریده و در برابرشان بایستم .

## نتیجه

حرکت احیاگرانه و اصلاحی امام حسین (ع) حرکتی است که شامل تمام زوایای جامعه آن روز و جوامع بعدی می گردد، همه نواقص و کاستی ها را شناسایی می کند و طرح و برنامه هایی را بر اساس مبانی قرآن و سنت پیامبر (ص) و سیره علی (ع) برای مقابله با آنها عرضه می دارد. نمی توان و نباید هیچ یک از ابعاد و جنبه های اصلاحات را نادیده انگاشت و بعضی را شدت بخشید و از برخی چشم پوشید و از شتاب بازداشت اگر بنا داریم حسین وار در همه ابعاد اصلاحاتی را دنبال کنیم باید با حفظ مبانی قرآنی و دینی و در چارچوب ارزشهای اسلامی چنین کنیم مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه و سخنرانی های عمومی اصول و ابعاد مختلف اصلاحات در جامعه امروز را بیان فرمودند، که بدون شرح و تفصیل فهرستی از آنها را ذکر می کنیم باشد که فرمایشات معظم له که ترجمان بی بدیل و کم نظیر سیره اهل بیت و خصوصاً اباعبدالله الحسین (ع) می باشد، مورد توجه همه مسئولان و مردم قرار گیرد. ایشان فرمودند: ۱- ما احتیاج

داریم که دستگاه اداری مان مقرراتی داشته باشد که برای همه یکسان باشد و در آن تبعیض نباشد. اگر بود، فساد است و فساد باید اصلاح شود؛ ۲- باید رشوه و ارتشا نباشد و اگر بود، فساد است و باید اصلاح گردد؛ ۳- راه های کسب ثروت مشروع باشد. اگر کسانی از راه های نامشروع کسب ثروت کردند، این فساد است و باید اصلاح شود؛ ۴- اگر کسانی از امتیازات بی جا استفاده کرده اند، ثروت های باد آورده پیدا کردند و دیگران را به قیمت این که خودشان ثروت مند شوند، فقیر کردند، این فساد است و باید اصلاح شود؛ ۵- اگر در جامعه امتیازهای انحصاری به وجود آوردند و همه نتوانستند از فرصت های برابر استفاده کنند، این فساد است و باید اصلاح شود؛ ۶- اگر مردم دچار بی انضباطی اند، به خصوص مسئولان بخش های اداره کشور، بی انضباط اند و انضباط اجتماعی نیست این فساد است ۷- در جوانان اگر ملکات انسانی یعنی شجاعت صفا، صدق نشاط فعالیت و کار، رشد پیدا نمی کند این فساد است و باید اصلاح شود؛ ۸- اگر اعتیاد در جامعه هست این فساد است ۹- اگر وظیفه شناسی در مسئولان نیست این فساد است ۱۰- اگر جرم و جنایت هست اگر دسترسی به قضاوت عادلانه نیست اگر رسیدگی های قضایی طولانی می شود و پرونده ها تا مدت ها می ماند، این فساد است و باید اصلاح گردد و باید از جرم و جنایت پیش گیری کرد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

